



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: اعداد صلاة/مواقیت الصلاة

یکی از عزیزان نوشته که حضرتعالی جمع دلالی بین اخبار باب ۴ و باب ۸ را نپذیرفتید و آنها را حمل بر تقیه نمودید در این صورت برای نمازهای یومیه وقت فضیلت نخواهیم داشت، همان طور که عرض کردم لازم است که ما خط سیر مطالب را دقیقاً در نظر داشته باشیم، در مورد اخبار باب ۴ عرض کردیم که چند جور خبر در این باب ذکر شده؛ دسته ای از اخبار دلالت داشتند بر اینکه؛ "إذا زالت الشمس دخل الوقتان و إذا غربت دخل الوقتان" که این در مقابل عامه بود، دسته دیگر بر همین مطلب دلالت داشتند فقط عبارت "إلا أن هذه قبل هذه" را اضافه تر داشتند یعنی در موقع زوال، وقت هر دو مشترکاً داخل می شود ولی ظهر قبل از عصر باید خوانده شود، اما اخبار باب ۸ دلالت داشتند بر اینکه بعد از زوال به اندازه قدم یا قدمان و ذراع یا ذراعان باید صبر کرد و بعد وقت نماز ظهر یا عصر داخل می شود که ما گفتیم این مطلب بر خلاف سیره متشرعه است و با اخبار دیگر منافات دارد لذا ناچاراً اخبار باب ۸ را حمل بر تقیه کردیم و این ارتباطی به وقت فضیلت ندارد بلکه روایات مربوط به وقت فضیلت در باب ۳ از ابواب مواقیت الصلاة ذکر شده اند.

خب واما بچثمان در اشتراک و اختصاص وقت بود، ما خلافاً للعامه قائلیم که ظهر و عصر در وقت مشترک هستند و البته اخباری داریم که دلالت دارند بر اینکه اول وقت مخصوص نماز ظهر و آخر وقت مخصوص نماز عصر می باشد.

عرض کردیم که اخبار ۱ و ۵ و ۸ و ۱۰ و ۲۰ و ۲۱ در باب ۴ از ابواب مواقیت دلالت بر اشتراک وقت دارند یعنی ظهر و عصر در این وقت مشترک هستند إلا أن هذه قبل هذه و این از مختصات فقه ماست و این مطلب در میان ما مسلم است منتهی خاطریم هست که آقای بروجردی در درس فرمودند ابن ادریس در سرائر منکر اشتراک وقت شده به این بیان که: «فأما

ما يوجد في بعض الكتب ، ويقول بعض أصحابنا ، من أنه إذا زالت الشمس فقد دخل الوقتان معا ، إلا أن هذه قبل هذه ، وكذلك إذا غربت الشمس ، فقد دخل الوقتان جميعا ، إلا أن هذه قبل هذه ، فهذا ضد الصواب ، وخطأ من القول ، لأن الشمس إذا زالت دخل وقت الظهر فحسب ، فإذا مضى مقدار ما يصلي الفريضة ، اشترك الوقتان معا ، إلا أن هذه قبل هذه ، وكذلك إذا غربت الشمس ، فقد دخل وقت المغرب ، من غير اشتراك ، إلى أن يمضي مقدار ما يصلي فيه الفريضة ، فإذا مضى ذلك الوقت ، اشترك الوقتان جميعا ، إلا أن الأولى قبل الثانية. فإذا بقي من النهار مقدار ما يصلي فيه فريضة العصر ، فقد خرجت المشاركة ، واختص الوقت بالعصر فحسب ، كما أن بالزوال اختص الوقت بالظهر ، ولم يشارك العصر الظهر ، وكذلك إذا بقي من النهار مقدار أداء فريضة العصر ، اختص به ، ولم يشارك الظهر العصر ، وكذلك القول في المغرب والعشاء الآخرة ، فليلاحظ ذلك ، وليتأمل ، فإنه قول المحصلين من أصحابنا الذين يلزمون الأدلة والمعاني ، لا العبارات والألفاظ.»<sup>۱</sup>

محقق در معتبر به ابن ادریس اشکال کرده و فرموده: «و اعترض بعض المتأخرين (ابن ادریس) على قول أصحابنا "إذا زالت الشمس دخل وقت الصلاتين" و زعم ان الحداق و أصحاب البحث ينكرون هذا اللفظ من حيث ان الظهر يختص بمقدار أربع ركعات فلا يشترك الوقتان الا بعد قدر إيقاع الظهر، لأنه ما درى انه نص من الأئمة عليهم السلام أو درى و أقدم. و قد رواه زرارة، و عبيد، و الصباح بن سيابة، و مالك الجهنبي، و يونس من العبد الصالح عن أبي عبد الله عليه السلام و مع تحقق كلامهم يجب الاعشاء بالتأويل لا الاقدام بالظن، على أن فضلاء الأصحاب رووا ذلك و أفنوا به أفتري؟ لم يكن فيهم من يساوي هذا الطاعن في الحدق.»<sup>۲</sup>

خاطریم هست که آقای بروجردی در درسشان وقتی به اینجا رسیدند خیلی با شدت کلام ابن ادریس را رد کردند و قول محقق و مشهور را پذیرفتند و این شعر را خواندند:

أوردها سعد و سعد مشتمل/ ما هكنا يورد يا سعد الإبل

<sup>۱</sup> السرائر، ابن ادریس حلی، ج ۲، ص ۱۹۹.

<sup>۲</sup> المعتبر، محقق حلی، ج ۲، ص ۳۴.

یک نفر که نامش سعد بود چند شتر داشت و به جایی رسید که آب زیادی بود و می خواست از آن رد شود، شترها را وارد آب کرد و خودش هم درحالی چیزی به خودش پیچیده بود و قدرت جمع کردن شترها را نداشت رفت که از آب رد شود، شاعری این صحنه را دید و شعر مذکور را سرود به این معنا که ای سعد اگر شخصی شترهای زیادی دارد و می خواهد از آب رد شود نباید به خودش لباسی پیچد بلکه باید آماده باشد تا شترها را از آب عبور بدهد، خلاصه این بحثی بود میان محقق و ابن ادریس که به عرضتان رسید.

دسته دیگر از اخبار باب ۴ از ابواب مواقیات الصلاة اخبار ۷ و ۹ و ۱۸ هستند که دلالت دارند بر وقت مخصوص که مورد بحث ما می باشد یعنی اشتراک وجود دارد منتهی از اول وقت به اندازه چهار رکعت مخصوص نماز ظهر است و در آخر نیز به اندازه چهار رکعت مانده به مغرب مخصوص نماز عصر می باشد و این منافاتی با اشتراک وقت ندارد زیرا اخبار دال بر اختصاص در واقع یک استثناء از آن اشتراک می باشند.

در میان اخباری دال بر اختصاص وقت هستند خبر ۷ صراحتش بیشتر است، خبر این است: ﴿وَعنه، عن أحمد بن محمد بن عیسی، وموسی بن جعفر بن أبي جعفر جميعا عن عبد الله بن الصلت، عن الحسن بن علي بن فضال، عن داود بن أبي يزيد - وهو داود بن فرقد - عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر حتى يمضي مقدار ما يصلي المصلي أربع ركعات، فإذا مضى ذلك فقد دخل وقت الظهر والعصر حتى يبقى من الشمس مقدار ما يصلي المصلي أربع ركعات، فإذا بقي مقدار ذلك فقد خرج وقت الظهر، وبقي وقت العصر حتى تغيب الشمس.﴾<sup>۳</sup>

دیروز عرض کردم که سند خیلی خوب است إلا اینکه داوود بن ابی یزید گفته "عن بعض أصحابنا" که می شود مرسل به ابهام واسطه، البته آقای بروجردی و فقیه همدانی و امثال اینها این خبر را قبول کرده اند زیرا مورد عمل فقهاء می باشد لذا ضعفش جبران می شود خلافاً للسیّد الخوئی که این خبر را قبول نکرده فرموده حجت نیست زیرا ایشان طبق مبنای خودشان فقط

سلسله سند را بررسی می کند و عمل یا اعراض اصحاب را موثر نمی داند.

خبر دیگری که آیت الله خوئی حجت ندانسته خبر ۱۷ از همین باب ۴ می باشد، خبر این است: ﴿وإسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن العباس، عن إسماعيل بن همام، عن أبي الحسن عليه السلام أنه قال في الرجل يؤخر الظهر حتى يدخل وقت العصر أنه يبدأ بالعصر ثم يصلي الظهر. أقول: حمله الشيخ علي تضييق وقت العصر لما مضى ويأتي﴾<sup>۴</sup>.

آیت الله خوئی می فرماید وثاقت عباس ثابت نیست لذا خبر حجت نمی باشد.

خب ما نیز مثل آقای بروجردی بر خلاف آقای خوئی از همین اخبار وقت مخصوص نمازها را استفاده می کنیم البته آقای خوئی نیز وقت اختصاصی را قبول دارد منتهی از راه دیگری آن را اثبات می کند به این بیان که عبارت "إن هذه قبل هذه" دلالت دارد بر اینکه ظهر را قبل از عصر بخوانید پس به اندازه چهار رکعت از وقت مخصوص نماز ظهر می باشد، دو چیز وقتی شریک باشند وقتی یکی از آنها از بین رفت نوبت به دومی می رسد.

خب واما آقای بروجردی بعد از بحث در وقت مشترک و وقت مخصوص به سراغ قاعده "من ادرك" رفته که قاعده بسیار مهمی می باشد و دلالت دارد بر اینکه "من ادرك ركعة من الوقت فقد ادرك الوقت كله" این قاعده ثمرات زیادی دارد علی آئی حال ما نیز تبعاً لآیة الله بروجردی وارد بحث در این قاعده می شویم.

آیت الله بروجردی در درسشان فرمودند این حدیث "من ادرك ركعة من الوقت فقد ادرك الوقت كله" در صحیح مسلم و بخاری و ابی داوود و ترمذی و نسائی و دارمی و موطاً و احمد بن حنبل نقل شده پس این حدیث مخصوص ما نیست و در میان کتابهای ما نیز آیت الله بجنوردی از صفحه ۶۱ تا صفحه ۱۰۶ از قواعد الفقهية این قاعده را مطرح کرده و مورد بررسی قرار داده که إن شاء الله درباره آن بحث خواهیم کرد.

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۹۴، ابواب مواقیات الصلاة، باب ۴، حدیث ۱۷، ط الاسلامیة.

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۹۲، ابواب مواقیات، باب ۴، حدیث ۷، ط الاسلامیة.